



قلمرو فقه سیاسی از دیدگاه علامه ی نائینی

پدیدآورنده (ها) : حیدری کاشانی، محمدجواد

حقوق :: نشریه پژوهشهای فقه و مبانی حقوق اسلامی :: پاییز ۱۳۸۲ - شماره ۱

صفحات : از ۵۵ تا ۷۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/327274>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- نوع حکومت از دیدگاه علامه نائینی
- تعریف بانک داری اسلامی و مؤلفه های آن از نگاه فقه حکومتی
- مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خویی
- تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟
- مثنوی و اسلوب قصه در قصه
- فقه و مقاصد شریعت
- ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی
- پیش بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس نشانه های نقص توجه / بیش فعالی در بزرگسالان
- فلسفی: شخصیت آثار و دیدگاه های الوین پلانتینگا
- بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از نگاه علامه طباطبایی
- تفاوت علل موجهه جرم با علل رافع مسئولیت کیفری و آثار آن در حقوق بین الملل کیفری
- مفهوم و ماهیت اطمینان در علم اصول

عناوین مشابه

- چیستی حکم حکومتی از منظر فقه سیاسی با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی قدس سره
- فقه سیاسی از دیدگاه علامه و محدث شهیر سید نعمت الله جزایری
- بررسی مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۷۸ قانون مدنی ایران در خصوص تربیت اولاد از دیدگاه فقه و حقوق با مطالعه ی تطبیقی
- بررسی قاعده ی عدالت از دیدگاه فقه امامیه
- مشروعیت و مقبولیت از دیدگاه علامه نائینی
- بررسی تطبیقی عناصر و شاخصه ای فقه حکومتی از دیدگاه صاحب جواهر(ره) و میرزای نائینی(ره)
- تازه های نشر؛ فلسفه فقه سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه ای؛ نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی
- بررسی مناقشه ی سرزمینی میان عربستان سعودی و مصر از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها
- نقد و تحلیل نظریه رویا انگاری قرآن کریم و وحی از دیدگاه عبدالکریم سروش و پیامدهای آن بر حوزه ی مطالعات بیداری سیاسی مسلمانان
- دیدگاه ها: دیدگاه های دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی پیرامون پیش نویس لایحه قانون اصلاح پاره ای از مواد قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب

قلمرو فقه سیاسی

از دیدگاه علامه‌ی نائینی رحمته الله علیه

محمد جواد حیدری کاشانی

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

چکیده

مقاله حاضر نخست به جامعیت علمی - سیاسی علامه‌ی نائینی اشاره می‌کند. آنگاه به طرح مباحث فقه سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و ترابط فقه و حکومت و فلسفه‌ی عملی تمامی فقه، در دولت اسلامی را بیان می‌نماید. نگارنده با طرح این پرسشها که آیا فقه شامل تمام اعمال فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود؟ آیا فقه پاسخ‌گوی تمامی انتظارات بشر از دین در حوزه‌ی احکام است و آیا فقه از غنای حکمی و برنامه‌ای برخوردار است؟ به بررسی دیدگاه‌ها می‌پردازد و ضمن پرداختن به نقد و بررسی شبهات برخی از نویسندگان معاصر، مانند آقای سروش و مهندس بازرگان بر غنای فقهی اسلام و غنای حکمی و برنامه‌ای فقه، به طرح دیدگاه علامه‌ی نائینی می‌پردازد و می‌گوید:

علامه‌ی نائینی معتقد است که فقه از غنای حکمی و برنامه‌ای برخوردار است؛ به همین جهت با تدوین کتاب شریف «تنبیه الامّة و تنزیه الملة» توانایی دین در اداره‌ی جامعه و آیین‌کشوررداری را ثابت کرد.

نگارنده ضمن استشهاد به آثار نائینی، به بررسی دیدگاه ایشان در مورد نقش زمان و مکان، قلمرو فقه، ولایت فقیه و مباحث دولت و حکومت می‌پردازد و ضمن اشاره به آسیب‌شناسی اجتهاد و فقه موجود، به ضرورت‌های شش‌گانه‌ی اجتهاد مطلوب می‌پردازد.



کلیدواژه‌ها: فقه سیاسی، غنای حکمی و برنامه‌ای، فلسفه‌ی عملی فقه، زمان و مکان، احکام ثابت و متغیر.



۱. اندیشه‌ی سیاسی و جامعیت آیه‌الله نائینی

محقق نامور، میرزا حسین نائینی، از سردمداران عرصه‌ی علم و عمل صالح بود که معنویت، فقاہت، سیاست و حیات را به هم درآمیخت و تندیس از عالم ربانی، فقیهی مرزبان، تکلیف‌مداری مسئولیت‌شناس، وظیفه‌دانی دردمند، را نمایاند.

به حق او را مصلحان و انقلابیونی دگرگون‌ساز، بازاندیشانی غیرمرتجع، جهت‌دارانی قوی‌دل، آرمان‌خواهانی راستین، دین‌گسترانی در خط خدا و اولیای الهی، حق‌طلبانی بی‌باک، آزادی‌خواهانی بی‌پروا، انسان‌دوستانی پایدار، پیامبر‌ره‌شناسی، بریده از ثروت‌مندان و مرفه‌ان؛ دردمندانی پیوسته به محرومان و بینوایان و مستضعفان، علی‌گریانی بی‌تاب در برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان، دین‌پژوهانی عجیب با قرآن و نهج‌البلاغه و روایات، جعفری‌مذهباتی فراخوان مردم به پذیرش اصل «مساوات» و کرامت، فریب‌ناخوردگانی از سالوسی متکاثران و بی‌هراس از فتنه‌انگیزی آنان، تسلیم‌ناشوندگانی در برابر هر ضعف یا سازش یا ارتجاع یا طمع‌ورزی یا هواداریهای ناروا؛ و به تعبیر قرآن از مصادیق بارز «قوانین بالقسط. شهداء لله». برپای دارندگان سخت‌کوش عدل و گواهان خداوند بر اجرای آن، در عالی‌ترین سطح به شمار می‌آید.

کارنامه‌ی حیات و شور و جوش و خروش او و آثار وی بیانگر این ادعا است.^۱ جان‌مایه‌ی اندیشه و افکار او، قرآن و گفتار و سیرت کامل‌ترین انسانها است. او شریعت‌مداری زمان‌شناس، نستوه و بینا، وارسته و خویش‌تن‌بان بود که از هوی و هوس، جاه و موقعیت، معروفیت و محبوبیت فرار می‌کرد.

در فضایی زندگی می‌کرد که از اوضاع نابسامان، زورگویی به رعیت، تجاوز به حقوق دیگران، حق‌کشیها، نامردمی و ناهمراهیها، استعدادکشی و مظلوم‌کشیهای خاندان قجر؛ دیکتاتوری و استبداد بی‌حد و حصر آنان، ویرانی کشور، ناامنی راه‌ها و غریب‌زدگی روشن‌فکران، رنج می‌برد و غوغا می‌آفرید.^۲

همو از هم‌فکران و هم‌زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود.^۳

او چشم تیزبین و پر درخشش میرزای بزرگ بود و به عنوان دبیر و مشاور در کانون رهبری نجف از سوی مراجع بزرگ به نگارش بیانیه‌های بیدادگرانه و حیات بخش می‌پرداخت.^۴

ایشان از مهجور ماندن نهج البلاغه در حوزه‌ها اندوهگین شده، افسوس می‌خورد و بر اهتمام میرزای بزرگ نسبت به نهج البلاغه در استخراج اندیشه‌ی سیاسی تأکید می‌کرد و می‌گفت: «چرا از میرزای بزرگ نباید سرمشق گرفت و از احکام و تعالیم نهج البلاغه چون نامه‌ی مالک اشتر، نباید در ققاهت بهره برد.»^۵

ایشان از مهجور ماندن نهج البلاغه در حوزه‌ها اندوهگین شده، افسوس می‌خورد و بر اهتمام میرزای بزرگ نسبت به نهج البلاغه در استخراج اندیشه‌ی سیاسی تأکید می‌کرد و می‌گفت: «چرا از میرزای بزرگ نباید

۲. فقه و مسایل اجتماعی

آیا فقه صرفاً شامل اعمال فردی است یا شامل اعمال اجتماعی نیز می‌گردد؟

در هر صورت، آیا فقه، تمام اعمال فردی و اجتماعی را می‌تواند دربرگیرد یا تنها برخی از اعمال را؟

آیا فقه پاسخ‌گوی تمام «انتظارات» و نیازهای بشر می‌باشد یا نه؟ آیا تمام امور جزئی و کلی خطاب شرعی دارد یا خیر؟ و آیا فقه علاوه بر بیان حکم به برنامه و شیوه‌ی عمل و اجرا نیز نظر دارد؟

در پاسخ به این پرسشها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در اینجا نخست به برخی از دیدگاه‌هایی که پاسخ سلبی به این مسایل داده‌اند اشاره می‌کنیم، آنگاه به طرح دیدگاه محقق نائینی و دیگر فقیهان می‌پردازیم.

برخی از اندیشمندان معاصر بر این باورند که در شریعت اسلامی، اهداف و ارزشها و کلیات بیان شده است و حکم و قانون بر اساس آن تنظیم می‌شود و این امر به متخصصان



و انهادہ شدہ است و کتاب و سنت بہ منظور تنظیم روابط خانوادگی، اجتماعی، حکومت، قضاوت، مجازات و مسایل حکومتی نمی باشد.

علی رغم اندیشہ‌ی سیاسی علامہ‌ی نائینی و مشہور فقیہان شیعه، بر قلمرو فقہ در عرصہ‌های سیاسی- اجتماعی، یکی از نویسندگان معاصر در این بارہ می نویسد: «...از مقدمات فوق چنین می توان نتیجہ گرفت کہ: آنچه سبب روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، حکومت، قضاوت، مجازات، و مانند اینها بہ صورت امضائات بی تصرف یا امضائات ہمراہ با اصلاح و تعدیل در کتاب و سنت وجود دارد، ابداعات کتاب و سنت بہ منظور تعیین قوانین جاودانہ برای روابط حقوقی خانوادہ یا روابط حقوقی جامعہ و یا مسایل حکومت و مانند اینها نمی باشد.»^۶

وی بر این عقیدہ است کہ آنچه در امضائات جاودانہ است «اصول ارزشهایی» است کہ اہداف اصلاحات و تعدیلات کتاب و سنت می باشد و... مداخلات از آن الہام گرفتہ است. این اصول ارزشی امور مستقل نیستند، از ضرورتہای سلوک توحیدی شان نشأت می یابد، یا با آن معنا می شود و اعتبار خود را از آن بہ دست می آورد.^۷

وی چنین نتیجہ می گیرد کہ: «لازم است در ہر عصر، قوانین و نہادہای مربوط بہ روابط حقوقی خانوادہ و اجتماع، حکومت و شکل آن، قضاوت، حدود، دیات، قصاص و مانند اینها کہ در جامعہ‌ی مسلمانان مورد عمل و استناد است و فقیہان دربارہ‌ی آن نظر می دهند، با این معیار کہ درجہ‌ی سازگاری و ناسازگاری آنها با امکان سلوک توحیدی مردم تا چہ اندازہ است، مورد بررسی قرار گیرند.»^۸

۳. آیا فقہ غنای حکمی و برنامه‌ای دارد؟

برخی دیگر ضمن انکار غنای حکمی و برنامه‌ای فقہ اسلام چنین نوشتہ اند: «فقہ نہ غنای حکمی دارد و نہ غنای برنامه‌ای و هیچ کدام نقص فقہ نیست زیرا بنا بر آنچه گذشت غنای حکمی امری بی معناست و غنای برنامه‌ای ہم ربطی بہ اصل دین ندارد.»^۹ نقص و غنای فقہ را باید در متد و روش، جستجو کرد کہ آیا با متد و روش فقہ موجود یا ہر فقہ دیگر، می توان ہمہ‌ی مسایل را بر موازین عرضه نمود و از آن حکم استخراج کرد یا نہ؟... دین غیر از فقہ است. اسلام دینی جامع و کامل است و فقہ تلاشی بشری از



سوی انسانها است برای استنباط تکالیفشان از متن دین.

غناي اسلام به غناي موازين و معيارهاي آن است. غناي اسلام به غناي هدايتي است که در آن موجود است و انسانها را به سوی «مقعد صدق عند مليک مقتدر» رهنمون می‌گردد.^۹

۴. دیدگاه مهندس بازرگان

وی ضمن انکار هدف انبیاء الهی در تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی و آبادانی دنیا، به نفی ضرورت این امور پرداخته و نوشته‌اند: «...بنابراین نیازی ندارد که خدا و فرستادگان خدا راه و رسم زندگی و حل مسایل فردی و اجتماعی را به او یاد بدهند. خصوصاً که گرفتاری و سختی و تلاش و تدبیر برای رفع مشکلات، جزئی از برنامه آفرینش آدمی است و وسیله‌ی اصلاح و تربیت و تقرب او به خداوند متعال می‌باشد، اصلاً چنین کاری برای خداوند و رسولانش یک عمل لغو نیست؟»^{۱۰}

۵. دیدگاه آقای سروش در قلمرو فقه

برخی از دانشمندان، قلمرو فقه در ارایه برنامه و روش و حل مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تعلیم و تربیت همگانی و امور مربوط به اداره‌ی جامعه را انکار کرده‌اند و گفته‌اند:

«از این بالاتر، حتی ابوحامد هم فقه را برتر از این نشانده است که جای او است، سامان بخشی و مشکل زدایی و ظرافت آفرینی فقه، مخصوص جوامعی ساده و تحوّل و تشعب نیافته بود که روابطی ساده و حاجاتی اندک آدمیان را به یکدیگر پیوند می‌داد.»^{۱۱}

«آنچه درخور و در اختیار فقه است، آن است که حصارهای واپسین و مرزهای نهایی میدان کوشش آدمیان را تعیین و تحدید کند که پا را از کجا فراتر نگذارند و غیر آن باید به دست علم سپرده شود.

گشودن گره تراکم خودروها در خیابانها، خاموشی برق و کمبود الکتریسیته و انرژی، آلودگی هوا، هجوم امواج فرنگساز رادیوهای جهانی، بیماریهای طیب ساخته، تعلیم و



تربیت همگانی... مگر در توان فقه است؟ مگر همه‌ی دشواریهای جهان و حیات، دشواریهای حقوقی است که حلش را از فقه متوقع باشیم؟...»^{۱۲}

«...بنابراین وقتی می‌گوییم فقه برای زندگی ما در این جهان برنامه نمی‌دهند، به معنای آن است که حکم می‌دهد، ولی برنامه نمی‌دهد برنامه‌ریزی کار علم است نه کار فقه و به روش علمی نیازمند است.»^{۱۳}

مشابه این نظر در گفته‌های برخی از نویسندگان معاصر نیز آمده است.

۶. دلایل عدم غنای حکمی و برنامه‌ای فقه

برخی از نویسندگان بر این خیال‌اند که فقه اسلامی، از نظر حکم و برنامه، غنی نیست ایشان ضمن تصریح به عدم جامعیت فقه اسلام به تناقض‌گویی آن تصریح نموده و امامان معصوم علیهم‌السلام را به عدم ارائه برنامه‌ای جامع و مدون برای مدیریت جامعه و رفع کافه، معضلات و برطرف نمودن مشکلات در عرصه‌های مختلف متهم نموده‌اند.

استدلال ایشان برای اثبات نظریه خویش عبارت است از:

الف. رجوع به قواعد ثانوی از قبیل عسر و حرج و اضطرار و لاجرح، نه تنها نشانه‌ی غنای حکمی نیست بلکه نشان از عدم جامعیت و کمال فقه و ثبوت تناقض است.^{۱۴}

ب. امامان معصوم علیهم‌السلام در هیچ زمینه‌ای از نزد خود برنامه‌ای مدون نکرده یا کتابی ننوشته‌اند، بلکه تنها به سؤالات مردم در هر زمان پاسخ گفته‌اند و این بدان معنا است که باید برنامه بر فقه عرضه گردد تا او عدم مغایرت آن را با موازین، بیان کند.^{۱۵}

۷. نقدی بر دیدگاه سروش

به نظر می‌رسد که ایشان، رأی خود را مدلل نساخته و صرفاً بر اساس پیش‌فهم خود از احکام فقهی و سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام سخن گفته‌اند، زیرا اولاً، فقه اسلام از قواعد ثانوی جدا نیست. و ثانیاً، امامان معصوم علیهم‌السلام در بسیاری از مواقع، مانند: عهدنامه‌ها، جنگها و ابلاغها، برنامه‌ای جامع و کامل جهت اداره‌ی کشور ارایه می‌دادند؛ نامه‌ی حضرت امیر علیه‌السلام به مالک اشتر و محمد بن ابی بکر و... بیانگر این مدعی است.

ثالثاً، مگر موضوع فقه، افعال مکلفان نیست و مگر شکل و شیوه و برنامه‌ی حکومت



از افعال و عملکرد مکلفین خارج است تا فقه نسبت به آن، حکمی نداشته باشد و مگر امیر مؤمنان علیه السلام در اداره‌ی جامعه خارج از فقه اسلام عمل کردند و مگر عملکرد آنان برای ما حجت نیست؟! به عبارت دیگر، در پاسخ به دلیل اول ایشان باید گفت: حل معضلات اجتماعی و مسایل جدید و حوادث واقعه با قواعد ثانوی، اختیارات حاکم، منطقه الفراغ، کشف ملاک احکام و... نشانه‌ی غنای حکمی است؛ زیرا دلیل مشهود و جاودانگی فقه اسلام، مجموعه‌ای از عوامل است که اجزای آن قابل تفکیک از اجزای دیگر نیست و اساساً فقیه جامع‌الشرائط کسی است که احاطه‌ی کامل بر احکام اولی و احکام ثانوی فقه به صورت استدلالی داشته باشد.

به کار گرفتن قاعده‌ی عسر و حرج و اضطرار و لاجرح، در فقه اسلامی و سایر مکتبهای حقوقی بیانگر تشابه آنها نیست؛ بلکه برای مقایسه‌ی تطبیقی باید سایر عوامل، مانند: اختیارات حاکم، کشف ملاکات احکام، منطقه الفراغ را در فقه اسلام در کنار قواعد ثانوی قرار داد و سپس به جمع‌بندی پرداخت.^{۱۶} اما درباره‌ی سیره و فعل معصومان علیهم السلام علی‌رغم آنچه برخی از معاصران، حجیت سیره‌ی معصوم علیه السلام را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی - فرهنگی، نظامی، مدیریتی انکار و برخی این‌گونه مطرح کرده‌اند که «آیا ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منش خودشان در اسلام مورد نداشت» تأکید می‌کنیم که اهل سنت به این بحث نیز پرداخته‌اند.^{۱۷} و برخی، افعال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به شانزده قسم تقسیم نموده و بعضی مصدر تشریح دانسته‌اند، ولی نوع فقیهان و دانشمندان علم اصول، سیره و فعل معصوم علیهم السلام را در تمامی زمینه‌ها، حجت می‌دانند و به آن استناد می‌جویند، مگر آن‌که قرینه‌ای در دست باشد که ویژگی مورد را نشان دهد.^{۱۸} علامه نائینی و بسیاری از فقیهان چون امام خمینی علیه السلام در این باره فرمودند: «چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام تشکیل حکومت دادند ما هم باید تشکیل حکومت دهیم.»

۸. حکومت فلسفه علمی تمام فقه

در مقابل نظریه‌ی سلبی مبنی بر نفی غنای حکمی و برنامه‌ای فقه، عده‌ای از فقیهان معتقدند که: «در اسلام هیچ واقعه‌ای خالی از حکم نیست، حتی ارش الخدش (دیه‌ی



خراشی که بر بدن دیگری وارد می‌شود) و آنچه اُمت اسلامی تا آستانه‌ی قیامت به آن نیاز دارد، در قوانین اسلامی پیش‌بینی شده است، منتها باید تلاش کرد و آنها را دریافت.^{۱۹}

بسیاری از فقیهان چون علامه‌ی نائینی رحمته‌الله^{۲۰} همانند امام خمینی رحمته‌الله^{۲۱} «فقه را تئوری واقعی و کامل اداره‌ی انسان از گهواره تا گور می‌داند.» و حکومت در منظر ایشان «فلسفه‌ی عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت» است، فقه در حکومت تجسّم می‌یابد و «حکومت نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است.»^{۲۲}

میرزای نائینی^{۲۳} بر این باور است که اسلام برای تمامی جهاتی که انسان به آن احتیاج دارد، احکام و برنامه دارد و اسلام نسبت به تمام شؤون مادی و معنوی انسان حکم دارد؛ رشد معنوی و عقلانی انسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی و... تنها در پرتو فقه و عمل به احکام اسلام، تأمین می‌گردد.

وی در کتاب شریف: «تنبيه الامة و تنزیه الملة» ثابت کرد که دین توانایی اداره‌ی جامعه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و... را دارد و با استفاده از اصول و مبانی فقه اسلامی می‌توان سعادت دنیا و آخرت را برای مردمان تأمین کرد و با دوری از استبداد و تکیه بر آراء مردم، مجلس قانون‌گذاری تشکیل داد و چرخهای جامعه را به چرخش درآورد و امور مردم را در عرصه‌ی اقتصاد و فرهنگ و سیاست و... سامان داد.^{۲۴}

آیه‌الله نائینی، با شناخت ژرفی که از دین و منابع دینی داشت توانست به زیبایی فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی اسلام و

— ﴿﴾ —

علامه‌ی نائینی رحمته‌الله

همانند امام خمینی رحمته‌الله

«فقه را تئوری واقعی و

کامل اداره‌ی انسان از

گهواره تا گور می‌داند.» و

حکومت در منظر ایشان

«فلسفه‌ی عملی تمامی

فقه در تمامی زوایای

زندگی بشریت» است،

زندگی و حیات شرافت‌مندانه‌ی آدمی را پی ریزد^{۲۵} و دین را به عنوان ضامن سعادت ابدی و نجات سرمدی انسان در دنیا و آخرت معرفی نماید.^{۲۶}

حکیم شهید مطهری، ضمن اشاره به این مطالب دقت نظر و استدلال‌های متقن قرآنی و عقلی و استشهدادهای عمیق وی به نهج‌البلاغه را می‌ستاید و از روحیه‌ی استبداد ستیزی و جامعه‌گرایی وی تجلیل می‌کند.^{۲۷}

۹. نقش زمان و مکان در اندیشه‌ی سیاسی میرزای نائینی^{علیه‌السلام}

در اندیشه‌ی سیاسی محقق نائینی، «زمان و مکان» نقش تعیین‌کننده‌ای در «استنباط احکام» دارد، چه بسا در گذشته، مسأله‌ای دارای حکمی فقهی بوده و اکنون همان مسأله، با توجه به «روابط جدید حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام»، حکم جدیدی پیدا کند و دارای گونه‌های «گسترده و ناگسترده» گردد.

میرزای نائینی معتقد است توجه به نقش زمان و مکان در دو مرحله برای مجتهد ضرورت دارد:

الف. در فهم روایات و جهت صدور آن.

ب. در برابرسازی دین و احکام فقهی بر زندگی انسان معاصر و جهان متمدن؛ یعنی، احکام صادر شده از سوی معصومان^{علیهم‌السلام} بر دو گونه‌اند:^{۲۸}

۱. احکام تبلیغی، ۲. احکام ولایی.

احکام ولایی معصومان^{علیهم‌السلام}، مبتنی بر این است که آنان دارای مقام تبلیغ، قضاوت و زعامت بوده‌اند.^{۲۹}

سخنان معصومان^{علیهم‌السلام} گاهی از موقعیت ولایت و زعامت مسلمین و سرپرستی و رهبری جامعه صادر شده و گاهی صرفاً در مقام تبیین احکام خدا و تبلیغ آن بوده‌اند. نائینی بر این باور است که ولایت تشریحی معصومان^{علیهم‌السلام} دارای دو جنبه است:

الف. جنبه‌ی تبلیغی و روشن‌گری احکام و ارزشهای دین، ب. جنبه‌ی ولایی و حکومتی.

به همین جهت در جمع‌بندی کلمات معصومان^{علیهم‌السلام} باید از دو راه، اقدام کرد:

اول، از آن جهت که در مقام، بیان احکام اسلام هستند.





دوم، از آن جهت که زعامت و ولایت و سرپرستی جامعه را به عهده دارند. نافرمانی از احکام ولایی و حکومتی معصومان علیهم‌السلام به همان میزان گناه است که نافرمانی از بیان احکام شرعی و ارزشهای دینی.

از منظر نائینی درک این مسأله و تمییز میان حکم ولایی و مقام بیان کنندگی احکام، فقه را قادر می‌سازد تا بسیاری از معضلات اجتماعی و گره‌های کور سیاسی، اجتماعی را حل نماید. وی در این باره می‌نویسد: «کسانی که ولایت تشریحی معصومان علیهم‌السلام را فقه جنبه‌ی تبلیغی آنان می‌دانند و جهت ولایی و لزوم اطاعت از فرامین آنان را در این زمینه نمی‌پذیرند سخت در اشتباه‌اند.

اینان، به درستی معنای ولایت را نیافته‌اند. مگر نمی‌دانند که ولایت، ریاست بر مردم در امور دینی و دنیایی و معاش و معاد است و مگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه غدیر نفرمود که:

«الست اولی بکم من انفسکم»؟ آیا این جنبه‌ی تبلیغی است یا ولایی؟ در این زمینه اخبار متواتر و احادیث فراوانی است که به همین اشاره، بسنده می‌کنیم.^{۳۰}

به هر حال فقیه، ماهر و محیط، بر اصول فنی است که می‌تواند بین این دو جهت تفکیک ایجاد کند و تشخیص دهد که آیا سخنی را که معصومان علیهم‌السلام بیان کرده‌اند، مربوط به مقام ولایت و حکومت آنان و بر اساس مصلحت و نیاز زمان و مکان صادر شده است یا برخاسته از بُعد مبلغ بودن آنان است.

۱۰. احکام ثابت و متغیر از دیدگاه نائینی

ایشان با نگرشی نظامند و سیستمی به احکام اسلام، آنها را به دو بخش تقسیم می‌کند:

- الف. احکام ثابت و منصوص که در هیچ زمان و مکانی قابل تغییر نیست.
- ب. احکام متغیر که بسته به نظر فقیه است و بر اساس مصلحت و زمان و مکان قابل تغییر و تحوّل است.

از منظر میرزای نائینی بخش دوم احکام اسلام، قابل تطبیق با هر محیط و شرایطی است و پاسخ‌گویی تمام نیازهای آدمی در هر زمان و مکانی می‌باشد. فقیه حاذق می‌تواند

بر اساس این دسته از قوانین اسلام، تمام معضلات اجتماعی و گره‌های کور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تعلیم و تربیت را برطرف سازد و روح کلی قوانین را بر موارد و مصادیق جدید برابر گرداند.

چون دانستن قسم دوم از سیاست نوعیه در تحت ضابط و میزان معینی مندرج نیست و به اختلاف مصالح و مقتضیات مختلف و از این جهت در شریعت مطهره، غیر منصوص و به مشورت و ترجیح «من له ولاية النظر» موکول است. پس البته قوانین راجعه به این قسم نظر به اختلاف مصالح و مقتضیاتش به اختلاف اعصار، لا محاله مختلف و در معرض نسخ و تغییر است...

و از این جا ظاهر شد قانون متکفل وظیفه نسخ و تغییر قوانین به این قسم دوم مخصوص وجه قدر صحیح و لازم و بر طبق وظیفه حسیه است.

۱۱. غنای حکمی و غنای برنامه‌ای فقه از نگاه نائینی

محقق نائینی با تکیه بر همین اصل کلی با استفاده از شیوه‌ی عملی رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام در اداره‌ی حکومت، فروعاتی را در مسایل سیاسی و حکومتی و اجتماعی اسلام استنباط نموده است که برخی از آن عبارت‌اند:

الف. قانون‌گذاری در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، بهداشتی، تربیتی، در هر زمان برابر بخش دوم از احکام، مجاز است.

ب. مشروع بودن رایزنی با ملل و دولتها، و ارتباط با کشورهای جهان بر اساس مصلحت و غبطه مسلمین، بر همین استوار است.

ج. قانونهای سیاسی، اجتماعی و آیینهای عرفی، اجتماعی و بسیاری از مقررات مربوط به امور کشورداری و سیاست و اقتصاد و تجارت با اجازه‌ی فقه جامع الشرایط مشروعیت می‌یابد.

د. ممکن است قانون و حکمی در طول زمان به قبض و بسط و گسترده‌گی و ناگسترده‌گی دچار گردد.

ه. درک غنای حکمی و غنای برنامه‌ای فقه اسلام، با توجه به نقش زمان و مکان در استنباط احکام و شناخت دقیق گزاره‌ها برای فقیه واجد شرایط امکان‌پذیر است.





و. شکل و برنامه حکومت و شیوهی اداره‌ی جامعه نیز از گزاره‌هایی است که زمان و مکان در آن نقش بنیادی دارد.

۵. فقه اسلام از چنان توانایی برخوردار است که به فقیهان هر عصری این مجال را می‌دهد تا نیازهای دینی انسان موجود را در تمام زمینه‌ها بنگرد و با استفاده از منابع پر بار اسلام به نیازهای جوامع بشری، پاسخ منطقی، معقول و روشن دهند و در قالبهای جدید و شیوه‌های نو، توان اداره‌ی جامعه را بنمایاند.

۱۲. مهر تأیید آخوند خراسانی بر اندیشه‌ی سیاسی نائینی

بسیاری از فقیهان مهر تأیید بر افکار و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی نائینی زده و او را ستودند. آخوند خراسانی ضمن تجلیل از نو اندیشیهای فقهی، سیاسی میرزای نائینی، به امکان استخراج اصول و مبانی اداره‌ی جامعه از منابع شرعی و ضرورت اجرای آن اشاره می‌کند و همگان را به آموزش و پژوهش و درک افکار و آزادی‌شان فرامی‌خواند: ^{۳۱}

در مقاله‌ی شریفه «تنبيه الامة و تنزیه الملة» که از افاضاته جناب مستطاب شریعت مدار، صفوة الفقهاء والمجتهدین، ثقة الاسلام والمسلمین العالم العامل، آقامیرزا محمد حسین النائینی الغروی، دامت افاضاته است، و سزاوار است که ان شاء الله تعالی، به تعلیم و تعلم و تفهیم آن، مأخوذ بودن اصول مشروعیت را از شریعت محقه استفاده و حقیقت کلمه‌ی مبارکه‌ی: ^{۳۲} «بمواالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان قد فسد من دنیانا» را به عین الیقین ادراک کنید ان شاء الله. ^{۳۳}



فقه اسلام از چنان توانایی برخوردار است که به فقیهان هر عصری این مجال را می‌دهد تا نیازهای دینی انسان موجود را در تمام زمینه‌ها بنگرد و با استفاده از منابع پر بار اسلام به نیازهای جوامع بشری، پاسخ منطقی، معقول و روشن دهند و در قالبهای جدید و شیوه‌های نو، توان اداره‌ی جامعه را بنمایاند.

۱۳. قلمرو نفوذ ولایت فقیهان از نگاه نائینی

از آنچه گذشت به خوبی روشن شد؛ که از منظر محقق نائینی دو گونه قانون داریم:
 ۱. دگرگونی‌پذیر، ۲. دگرگونی‌ناپذیر.

فقیهان نسبت به قسم اول از قوانین، تنها مسئولیت ابلاغ و اجرا را دارند و نمی‌توانند در حوزه‌ی قانون‌گذاری آن وارد شوند.

و با استفاده از این قوانین، در جهت تدوین قانون اساسی کشور و تنظیم و برنامه‌ریزی ارکان مدیریت و گذاردن قانون مورد نیاز کشور و امضای قانونها و آیینهایی که با روح شرع سازگارند، بکوشند.

از دیدگاه ایشان قلمرو نفوذ فقیهان مانند ولایت فقیه معصومان علیهم‌السلام است و به همین جهت حدّ دخالت دین به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، و... سرایت می‌کند. وی در این باره می‌نویسد: «...همچنان که در عصر حضور و بسط ید، حتی تشبیهات و ترجیحات ولات و عمال منصوبین از جانب ولیّ کلّ، صلوات الله علیه، ملزم قسم دوم است.

(قوانین دگرگونی‌پذیر) به همین جهت است که اطاعت ولی امر علیه‌السلام را در آیه‌ی مبارکه‌ی: «اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»^{۳۴} در عرض اطاعت خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بلکه اطاعت مقام رسالت و ولایت را با هم، در عرض اطاعت خالق عالم تعیین فرموده‌اند... همین‌طور، در عصر غیبت هم، ترجیحات نواب عام و مأذونین از جانب ایشان، لا محاله به مقتضیات نیابت ثابتة قطعیه، علی کل تقدیر، ملزم این قسم است و از این بیان، به خوبی حال هفوات و اراجیف مغرضین که این الزام و التزام قانونیه را شرعاً بلاملزم پنداشته‌اند، منکشف و ظاهر شد...^{۳۵}

بدین سان روشن می‌شود که چگونه محقق نائینی قلمرو فقه را توسعه می‌دهند و فقه را کارآمد و هماهنگ با پیشرفت و تمدن و پاسخ‌گوی تمامی نیازهای آدمی، می‌داند.^{۳۶}

۱۴. ضرورت‌های دین پژوهی حوزه‌ی علمی

بررسی و تحقیق در اندیشه‌ی سیاسی علامه‌ی نائینی بیانگر نکات جالبی است که مسئولیت در دانش‌تایان و دغدغه‌مندان اصلاحات را بیشتر می‌نماید.



بایسته‌ها و ضرورت‌های دین‌پژوهی علوم حوزوی را به اختصار می‌توان بیان کرد:

۱. **تحول پیش در اجتهاد:** امروزه اجتهاد باید با منطقی اساسی و روشی جدید، در استنباط دین و احکام خود، به خصوص از جهت کشف روش نظام‌پردازی و طراحی نظامات اجتماعی، مورد بازنگری و مطالعه قرار گیرد و مصلحانی چونان علامه‌ی نائینی رحمته‌الله، امام خمینی رحمته‌الله، شهید محمدباقر صدر رحمته‌الله، حکیم شهید مطهری رحمته‌الله با اشاره به کاستیهای اجتهاد مصطلح و وارد کردن اصل «لحاظ ظرف متعلق حکم» (زمان و مکان) و نیز حکومت را فلسفه‌ی عملی فقه دانستن، به ضرورت بازنگری فقه موجود در قلمرو سیاسی تأکید نمودند.

۲. **احیا و باز آوری علوم غیر معمول:** امروزه در حوزه‌های علمیه به علومی مانند تفسیر، حدیث، سیره‌شناسی، قواعد فقه، علوم قرآن، آیات الاحکام، سنت، کلام، توجه لازم نمی‌گردد و از آن به عنوان درس جنبی یاد می‌شود که ما را با مشکل مواجه می‌نماید. فخر رازی کتابی به نام «جامع العلوم یا حدائق الانوار فی حدائق الاسرار» (معروف به ستینی) دارد که در آن فهرست شصت علم که در گذشته میان مسلمانان رایج بوده بیان شده است و ضمن بیان ماهیت آن علوم به قلمرو و فواید آن پرداخته است ولی متأسفانه اکثر این علوم امروزه متروک و دیریاب است. زمانی در حوزه‌های علمیه، طب و ریاضی، نجوم، هیئت و علم اعداد و... تدریس می‌شد اما امروزه با رشد نظام آموزشی مدرن و تولد دانشگاهها نسبت به حوزه‌ها که کانون همه‌ی علوم بودند، کم لطفی شد.

۳. **تخصصی شدن آموزش و پژوهش:** امروزه تخصصی شدن رشته‌ها و رشته‌ها به عنوان امری عقلانی، پذیرفته شده است، در دنیای جدید به بایستگی مطالعات بین رشته‌ای تن داده‌اند امروزه استنباط و افتاء با لحاظ داشته‌های مرتبط و استفاده از خود جمعی مجتهدان و مشارکت مجتهدان شاخه‌های مرتبط در فقه اجتماعی سیاسی و مشاورت کارشناسان موضوع‌شناسی نقش عمده‌ای در کارآمدی فقه خواهد داشت نظریه‌ی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم (مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری) در تخصصی شدن فقه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۴. **نقادی و بازپژوهی علوم متعارف:** روش شناختی و محتوا و ساختار علوم حوزوی، نیاز به بازنگری، اصلاح و تنقیح مدعیات، مطالب و دلایل دارد، که احیاناً موجب تحولاتی

در قلمرو فقه سیاسی می‌گردد.

۵. تأسیس و بنیان‌گذاری برخی از دانش‌های جدید: یکی از وظایف مهم حوزه‌های علمیه، نوآوری و ابتکار علمی و ارائه موضوعات نو، ادبیات جدید، استخدام زبانی نو در بازگفت‌اندیشه‌ی دینی و روش جدید و ارائه تقریر نو و طراحی ساختار نو، برای مباحث فقه سیاسی و سایر علوم است. ارائه راهکار یا راهبردی تازه و نظریات جدید به ویژه در دانش مدیریت و طراحی دستگاه معرفتی جدید ما را در مواجهه با افکار سیاسی و علوم جهان یاری می‌رساند.

۶. تنسیق و باز آرای پاره‌ای از علوم دینی: نظم و انسجام موجود در متون حوزوی، نیازمند ویرایش و پیرایش ویژه‌ای است که با ظهور دانش‌های جدید، باید از نو آراسته شود. ۳۷

۱۵. جمع‌بندی و استنتاج

از آنچه گذشت به خوبی روشن شد که فقه اسلام که بر اساس فقه اهل بیت علیهم‌السلام تنظیم شده است هم غنای حکمی دارد و هم غنای برنامه‌ای، زیرا دلایل عدم غنای حکمی و برنامه‌ای فقه، ناتمام است و بلکه این نظریه صرفاً بر اساس پیش‌فرضها و در واقع غیر مدلل‌ارایه شده بود.

دلیل این مدعی آن است که اولاً، فقه اسلام از قواعد ثانوی جدا نیست. ثانیاً، بسیاری از آیات قرآن مبنی بر اجرای قصاص، حدود، دیات و اقامه‌ی عدالت اجتماعی و اقتصادی و تبیین مناسبات و روابط مردم با حاکم و حاکم با مردم و روابط بین‌الملل و امور مربوط به جنگ و صلح و دولت و... بیانگر حضور دین در قلب اجتماع و دخالت در مسایل اجتماعی و سیاسی است. ثالثاً، مطالعه و بررسی نامه‌های حضرت امیر علیه‌السلام به معاویه و مالک اشتر، محمد بن ابی‌بکر و عثمان بن حنیف و استانداران و فرمانداران و عهدنامه و ابلاغها بیانگر جامعیت دین در مسایل سیاسی - اجتماعی و آیین‌کشورداری است. رابعاً، موضوع علم فقه، افعال مکلفین است و انجام امور سیاسی - اجتماعی، حکومتی و آیین‌کشورداری از افعال مکلفین خارج نیست.

علامه‌ی نائینی ضمن تأکید بر نقش زمان و مکان در اجتهاد و برابر سازی دین و





احکام فقهی بر زندگی انسان و جهان معاصر، به تبیین احکام تبلیغی و احکام ولایی پرداخته و درک و تمییز جنبه‌ی تبلیغی و روشن‌گری احکام و جنبه‌ی ولایی و حکومتی آن را در حل بسیاری از معضلات سیاسی اجتماعی، راه‌گشا دانسته است. از دیدگاه محقق نائینی مشکلات فراوان جامعه، مانند: ظلم و تبعیض، فحشا، بزه‌کاری، کمبود سرمایه‌گذاری، عدم اشتغال و بیکاری، فقدان بهداشت روان، مشکل ازدواج جوانان، نارسایی قوانین، عدم کارایی و کارآمدی مجریان، ضعف مدیریت، عدم هدف‌گذاری صحیح، ضعف برنامه‌ریزی و فقدان شرح صدر، عدم استفاده از افکار و اندیشه‌ی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط، فرار مغزها و ده‌ها مشکل دیگر در عرصه‌ی اجرا، در پرتو فهم صحیح دین و آشنایی سیره‌ی عملی رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان در تشکیل دولت و اجرای دقیق احکام اسلام قابل حل است.

اندیشه‌ی سیاسی، نائینی از اتقان و مبانی قوی‌ای برخوردار است که مورد تأیید فقیهان بزرگی چون آخوند خراسانی، میرزای شیرازی و امام خمینی علیه السلام قرار گرفته است. امید آن‌که در پرتو تضارب افکار و استفاده از صاحبان اندیشه و فرهنگ در جهت رسیدن به توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه بر اساس موازین فقه اسلام بکوشیم و ضمن پرداختن به مسایل فقه پژوهی و بایسته‌های پژوهشی فقهی و حقوقی و نقد و معرفی آثار جدید فقهی و حقوقی بپردازیم و با طرح تئوری مدیریت فقهی و اطلاع‌رسانی و گزارشهای فقه پژوهی، در عین پای‌بندی بر اهداف و رسالت اولیه‌ی خویش در تبیین معارف و فقه اهل بیت علیهم السلام، بر رویکردهایی کارآمدتر و روشهایی نوین، تأکید نموده و به مسایل تحقیقی و تخصصی

—

از دیدگاه محقق نائینی مشکلات فراوان جامعه، مانند: ظلم و تبعیض، فحشا، بزه‌کاری، کمبود سرمایه‌گذاری، عدم اشتغال و بیکاری، فقدان بهداشت روان، مشکل ازدواج جوانان، نارسایی قوانین، عدم کارایی و کارآمدی مجریان، ضعف مدیریت، عدم هدف‌گذاری صحیح، ضعف برنامه‌ریزی و فقدان شرح صدر، عدم استفاده از افکار و اندیشه‌ی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط، فرار مغزها و ده‌ها مشکل دیگر در عرصه‌ی اجرا، در پرتو فهم صحیح دین و آشنایی سیره‌ی عملی رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان در تشکیل دولت و اجرای دقیق احکام اسلام قابل حل است.

فقه در عرصه‌های جدید و مسایل نوپیدا و تطبیقی شدن آن و ارائه روش مقایسه‌ای و انطباق فقه با نیازهای واقعی و انتظارات ایران و جهان امروز و تمدن مدرن و تولید علم و نوآوری در عرصه‌های نوین فقهی و حقوقی و ایجاد وفاق و همگرایی و تقریب میان مذاهب فقهی و ادیان مختلف، با توجه به موضوعی شدن مسایل جدید فقهی و حقوقی و نقد و بررسی آن، گام برداریم.^{۳۸}





منابع و پی‌نوشتها

۱. ر.ک: اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمه‌ی بهاء‌الدین.
۲. همان، مجله حوزه، ش ۴۱/۳۰، مصاحبه با آیه‌الله موسوی همدانی.
۳. همان.
۴. همان.
۵. ر.ک: مجله‌ی نقد و نظر، ش ۱، ص ۲۹۸، محمد مجتهدی شبستری.
۶. همان، ص ۲۹۹ - ۲۹۸.
۷. همان.
۸. کیهان فرهنگی، سال ششم، ش ۱، ص ۱۶، مقاله‌ی: تأملی پیرامون فقه و کمال آن، محمد سعیدی.
۹. کیان، ش ۲۸، ص ۴۹، مقاله‌ی آخرت و خدا هدف بعث انبیاء، مهندس بازرگان.
۱۰. مجله‌ی فرهنگ، کتاب چهارم و پنجم، مقاله‌ی جامه‌ی تهذیب بر تن احیا، ص ۳۸.
۱۱. همان، ص ۳۸، دکتر عبدالکریم سروش.
۱۲. همان، ص ۳۹.
۱۳. کیان، شماره‌ی ۲۷، ص ۱۳.
۱۴. کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۱، ص ۱۵.
۱۵. همان، ص ۱۶.
۱۶. مجله‌ی کیان، ش ۲۸، ص ۵۶، پایان صفحه، مقاله‌ی آخر و خدا هدف بعثت انبیاء، مهدی بازرگان.
۱۷. فلسفه‌ی فقه، ص ۸ - ۷، گفتگو با استاد ملکیان.
۱۸. افعال الرسول و دلالتها علی الاحکام الشرعیة، محمد سلیمان الاشقر، ج ۱، ص ۹ و ج ۲، ص ۱.
۱۹. آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی، انوار الفقاهة (المکاسب المحرمة)، ص ۳ و همان، کتاب البیع، ج ۱، ص ۵۵۳.
۲۰. ر.ک: تنبیه‌ی الامة و تنزیه‌ی الملة، ص ۹۰ - ۹۷.
۲۱. همان.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. همان، ص ۱۱۰ - ۵۰.
۲۵. همان، ص ۵۶۱ - ۱۰۴.

۲۶. همان، ص ۵۴ - ۵۱.

۲۷. همان.

۲۸. همان، ص ۶۰ - ۴۴.

۲۹. المكاسب والبیع، نائینی، ج ۲، ص ۳۳۱ به بعد، و ر.ک: تنبیه الامة، ص ۱۰۰ - ۵۰.

۳۰. همان.

۳۱. تنبیه الامة و تنزیه الملة، ۸۳ و ص ۱.

۳۲. همان.

۳۳. همان.

۳۴. نساء / ۳۹.

۳۵. تنبیه الامة و تنزیه الملة، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۳۶. ر.ک: مقاله‌ی نگارنده تحت عنوان علم و دین از دیدگاه علامه نائینی رحمته الله.

۳۷. ر.ک: فصلنامه‌ی پژوهش و حوزه، ش ۱۲، مقاله‌ی آسیب‌شناسی اجتهاد موجود و اجتهاد مطلوب.

۳۸. برای آشنایی بیشتر با این مباحث ر.ک: آثار نگارنده با عناوین ۱- «هماهنگی علم و دین از دیدگاه امام

خمینی» (مجله‌ی پیام نور حوزه، ش ۱۸)، ۲- «علم و دین» از دیدگاه علامه‌ی طباطبایی (مجله پاسدار

اسلام، ش ۱۱۹ تا ۲۰۴) ۳- «ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی» (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی امام

خمینی و اندیشه‌ی حکومت اسلامی) ۴- «قلمرو حسن و قبح عقلی از دیدگاه علامه‌ی شعرانی»

(فصلنامه‌ی فلسفی دانشگاه قم، ش ۱۲ - ۱۱) ۵- «نگرشی بر مسایل نوپیدا در فقه» (کتاب در دست

چاپ) ۶- «امام خمینی و اندیشه‌ی حکومت اسلامی» (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها، کنگره امام خمینی و

اندیشه‌ی حکومت اسلامی) ۷- «فطری بودن مجموعه‌ی معارف دین» (مجله‌ی بنیان، ویژه‌نامه‌ی امام

خمینی) ۸- «رهیافتی بر روش‌شناسی علامه‌ی طباطبایی در احیای دین» (کتاب مرزبان وحی و خرد،

یادنامه‌ی علامه‌ی طباطبایی، بوستان کتاب) ۹- «راهکارهای توسعه‌ی فرهنگ دینی» (مجموعه‌ی

مقالات همایش دین و توسعه و برنامه‌ی سوم) ۱۰- «نقدی بر پلورالیسم دینی» (مجله‌ی پیام حوزه،

ش ۲۴ و ۲۵) ۱۱- «نقش دین در جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» (مجله‌ی فروغ اندیشه، دانشگاه قم)

۱۲- «نگرشی بر فلسفه‌ی وجودی مجمع تشخیص مصلحت» (مجله‌ی فروغ اندیشه، دانشگاه قم)

۱۳- «عقل و دین و رابطه‌ی آن با زمان و مکان» (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی نقش زمان و مکان در

اجتهاد، جلد ۸) ۱۴- «حسن و قبح عقلی از دیدگاه مقدس اردبیلی» (مجموعه‌ی مقالات، کنگره‌ی

مقدس اردبیلی).





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی